

سخن سردبیر

تصمیم‌گیری بر مبنای توکل

یکی از گونه‌های تمایز مدیریت اسلامی با مدیریت مغرب زمین، عوامل تعیین‌کننده و اثرگذار در فرایند تصمیم‌گیری مدیران است. در نظریه‌های تصمیم‌گیری مدیریت غربی که بر عقلانیت و عقلانیت محدود مبتنی است، اتکا به داده‌ها و تمرکز بر روش‌های علمی تحلیل داده‌ها و هم‌چنین ارزیابی و انتخاب گزینه‌ها بر مبنای معیارهای تعریف شده، مبنای تصمیم‌گیری مدیران است؛ این در حالی است که در مدیریت اسلامی، هر چند همانند مدیریت غربی بر شناسایی تمامی ابعاد مسئله و داده‌ها و اطلاعات واقعی در فرایند تصمیم‌گیری تأکید می‌شود، عنصر مهم دیگری مورد عنایت قرار می‌گیرد که روح حاکم بر فرایند تصمیم‌گیری را شکل می‌دهد که از آن با عنوان توکل به خدا یاد می‌شود. توکل به مثابه چتری است که تمام فرایند تصمیم‌گیری را تحت پوشش قرار می‌دهد و تضمین‌کننده موفقیت واقعی در عرصه مدیریت است. در این مجال کوتاه تلاش می‌شود تا این عنصر مهم تصمیم‌گیری در مکتب الهام‌بخش اسلام با استناد به آیات نورانی قرآن کریم و دیدگاه اندیشمندان اسلامی مورد واکاوی قرار گیرد.

یکی از انواع توحید، توحید در استعانت است. بر اساس این شاخه توحید، عملاً انسان از کس دیگری جز الله کمک نمی‌خواهد. در اخلاق اسلامی به این نوع توحید، توکل و اعتماد به خدا می‌گویند.^۱ توکل از ماده و کالت به معنای سپردن کارها به دیگری است. علامه مجلسی در تعریف توکل به خدا می‌نویسد: «توکل» این است که بنده در عین حالی که تمام کارهای خود را به خداوند سپرده است، خود نیز بکوشد و این مفهوم، همان معنای «لَا جَبْرَ وَلَا تَفْوِیضَ بَلْ أَمْرٌ بَيْنَ الْأَمْرَيْنِ» (نه جبر و نه تفویض، بلکه امری بین آن دو) است. توکل به معنای ترک کوشش در کارها نیست؛ چنانکه مفهوم توکل، پرهیز نکردن از کارهای غیر ممکن هم نیست، بلکه در کارها باید به مسبب اصلی توجه کرد و به اسباب آن توسل جست. از این تعریف بر می‌آید که توکل به خدا، گرچه واگذاری کار به خداوند است، مقصود از آن، واگذاری جبری نیست که با اراده، اختیار و کوشش فرد منافات داشته باشد. علامه طباطبایی درباره اهمیت توکل به خدا می‌نویسد: «ما در رویارویی با

۱. مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲)، معارف قرآن: خداشناسی، کیهان‌شناسی، انسان‌شناسی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و

مسائل زندگی و رسیدن به کامیابی به دو دسته از عوامل نیازمندیم: ۱ - فراهم آوردن اسباب طبیعی ۲ - فراهم ساختن وضعیت روانی خاصی که بتوانیم با مسائل، بهتر روبه‌رو شویم.^۱

علامه طباطبایی معتقد است هنگامی که انسان وارد میدان عمل می‌شود و تمام عوامل طبیعی مورد نیاز را آماده می‌کند، تنها چیزی که میان او و هدفش فاصله می‌اندازد، همانا برخی از عوامل روحی از قبیل سستی اراده و تصمیم، ترس، غم و اندوه، شتاب‌زدگی و عدم تعادل، سفاهت و کم‌تجربگی و بدگمانی نسبت به تأثیر علل و اسباب و امثال آن است. در چنین وضعی اگر انسان بر خداوند سبحان توکل کند، اراده‌اش قوی و عزمش راسخ، و موانع و مزاحمت روحی در برابر آن خنثی خواهد شد. علاوه بر این، نکته دیگر در توکل، بُعد غیبی و ماورایی آن است؛ یعنی خداوند متعال، شخص متوکل را با امدادهای غیبی (من حیث لایحتسب؛ از جایی که به گمانش نمی‌رسد) مدد می‌رساند.^۲

در کلمه «توکل» دو تعهد وجود دارد؛ از طرف بنده، قبول کردن وظایف الهی که به او واگذار شده و از طرف خدا، قبول کردن سرنوشت خوب که بنده به او واگذار کرده است. خدا تکلیف را به انسان واگذار کرده است و انسان باید آن را بپذیرد. انسان نیز سرنوشتش را به خدا می‌سپارد و خدا آن را می‌پذیرد. بنابراین توکل به معنای کار دو طرفه است.^۳ محقق سبزواری می‌گوید: مفهوم درست «توکل» این است که هر چند اسباب و وسایل در هر کار موجود باشد، اعتماد او در منافع و مصالح خود بر خدای باشد؛ نه بر آن آلات و وسایط. بر حاکم لازم است که بنای کار خود را بر توکل گذارد و اعتماد او بر عون و عنایت ربّانی باشد، نه بر شوکت و سپاه و دولت و جاه.^۴

اگر معتقد باشیم که هر آنچه داریم، از خداست و خدا این همه امکانات و نیروها را در اختیار ما قرار داده است تا روی پای خود بایستیم و به دیگران نیازمند نباشیم، نه تنها «اعتماد به نفس» با توکل به خدا منافات ندارد، بلکه یکی از ابعاد اصلی و مهم آن را تشکیل می‌دهد و نتیجه این می‌شود که باید به نیروها و توانایی‌های خود متکی باشیم که خدا در اختیار ما قرار داده است و با بهره‌گیری از این نیروهای خداداد در این مسیر پر پیچ و خم زندگی و مشکلات و سختی‌ها، بار

۱. شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۷)، توکل به خدا، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره): ۳۷ - ۳۳.

۲. مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۹۰)، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع): ۵۷۱ - ۵۷۰.

۳. مطهری، مرتضی (۱۳۹۲)، امدادهای غیبی در زندگی بشر، تهران: انتشارات صدرا: ۲۹ - ۲۸.

۴. لکزایی، نجف (۱۳۸۰)، اندیشه سیاسی محقق سبزواری، قم: مؤسسه بوستان کتاب: ۱۴۹.

خویش به دوش کشیم؛ نه اینکه دست نیاز به سوی دیگران بگشاییم و چشم به آنها بدوزیم.^۱ قدرت انسان موحد، پرتویی از قدرت خداست. کاربرد تعبیرات اعتماد به خدا و توکل به خدا در نظام ارزشی اسلام از تعبیر «اعتماد به نفس» مناسبتر است. انسان با توکل کردن بر خدا به غرور و خودبزرگ‌بینی مبتلا نمی‌شود و تنها بر قدرت بی‌نهایت الهی اعتماد می‌کند.^۲

امام علی (ع) در خطبه ۲۱۴ می‌فرماید: هر گامی که در اطاعت بر می‌دارید، یاوری از سوی خدای سبحان وجود دارد که زبانها به نیروی آنها سخن می‌گویند و دلها با کمک آنها استوارند؛ برای یاری طلبان یاور و برای شفاخواهان شفا دهنده‌اند.^۳ (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۴). امام کاظم (ع) می‌فرماید: توکل، مراتب گوناگون دارد. از جمله درجات توکل این است که در تمام کارها بر خدا توکل کنی و از آنچه خدا نسبت به تو انجام داده است، راضی باشی و بدانی که خدا جز خیر و فضیلت برای تو نمی‌خواهد و نیز بدانی که در تمام این کارها اختیار با اوست؛ پس با واگذار کردن کارها به او بر خدا توکل کن.^۴ مردی از امام رضا (ع) درباره این سخن خداوند پرسید که: «و هر که بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است» (طلاق/۳)، امام رضا (ع) فرمود: «توکل را مراتبی باشد: یکی از مراتب این است که در همه کارهای خویش در آنچه با تو کند به او رو کنی و هر کاری که انجام دهد، خرسند باشی و بدانی که او در نیکی و رعایت حال تو کوتاهی نفرموده و بدانی که دستور دهی در این کار از آن اوست؛ پس با وانهادن همه کارهایت به خداوند به وی توکل نمایی و یکی دیگر از مراتب این باشد که به امور غیبی خداوند، که دانش تو آن کارها را در بر نگیرد باور داشته باشی؛ پس آگاهی از امور غیبی را به خداوند و امانی او و انهی و به خداوند در آن و در غیر آن اعتماد کنی».^۵

در قرآن کریم آیات زیادی هست که اهمیت توکل به خدا را در تصمیم‌گیریها و کارها یادآور می‌شود و به مؤمنان توصیه می‌کند که برای موفقیت در کارها، توکل به خدا، ضروری است. برخی

۱. شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۷)، توکل به خدا، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره): ۵۰ - ۵۱.
۲. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱)، پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره): ۲۴۷.
۳. امام علی (ع) (۱۳۸۰)، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم: انتشارات الهادی، خطبه ۲۱۴.
۴. اصول کافی، ج ۲: ۶۵ به نقل از مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۹۰)، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۵. حرانی، ابو محمد (۱۳۸۵)، تحف العقول (سخنان چهارده معصوم)، ترجمه: صادق حسن‌زاده، قم: انتشارات آل علی (ع): ۸۰۵.

از این آیات فهرست وار بیان می‌شود:

- نقش امدادهای غیبی در تصمیم‌گیری. خداوند متعال در آیه ۱۲۴ سوره آل عمران می‌فرماید: «آن گاه که به مؤمنان می‌گفتی: آیا شما را بسنده نیست که پروردگارتان شما را به سه هزار فرشته فرو فرستاده مدد رساند» بر اساس آموزه‌های این آیه، جهادگران اسلام باید منتظر کمکهای غیبی باشند و فرماندهان با یادآوری امدادهای غیبی، روحیه سپاهیان را تقویت کنند.

- امدادهای غیبی، زمینه‌ساز آرامش روانی. خداوند متعال در آیه ۱۲۶ سوره آل عمران می‌فرماید: «و این - مدد فرشتگان - را خدا جز مژده‌ای برای شما نکرد و تا دلهایتان بدان آرام گیرد و یاری و پیروزی نیست مگر از نزد خدای توانای بی‌همتا و دانای استوارکار».

- امدادهای الهی مانع یاس و ناامیدی. خداوند متعال در آیه ۱۱۰ سوره یوسف می‌فرماید: «و دعوت پیامبران و انکار کافران ادامه داشت [تا چون پیامبران [از ایمان آوردن قوم خود] نومید شدند و [کافران] چنین دانستند که به آنان دروغ گفته شده است - که کافران عذاب سخت دارند -؛ یاری ما بدیشان رسید؛ پس هر که را خواستیم رهانیده شد و عذاب سخت ما از گروه بزهکاران باز گردانده نشود». هرگاه رسولان الهی از مردم ناامید شوند، کمک الهی فرا می‌رسد. سنت الهی در حمایت از رهبران الهی و مجازات خلفاکاران است.

- توکل خالصانه موجب یاری خدا. در آیه ۱۶۰ سوره آل عمران آمده است: «إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»: «اگر خدا شما را یاری دهد هیچ کس بر شما چیره نخواهد شد و اگر شما را فرو گذارد، کیست که پس از [فرو گذاشتن] او شما را یاری کند؟ پس مؤمنان باید بر خدا توکل کنند و بس». توکل بر خدا زمینه یاری خداوند را فراهم می‌سازد.

- توکل بر خدا، تکیه بر قدرت شکست‌ناپذیر. خداوند متعال در بخشی از آیه ۴۹ سوره انفال می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»: «و هر کس بر خدا توکل کند همانا خدا توانای بی‌همتا و دانای استوارکار است؛ از این رو متوکلان را یاری می‌کند و تنها نمی‌گذارد»؛ لذا باید بر قدرتی توکل کرد که شکست‌ناپذیر و حمایتش حکیمانه است.

- محاسبه‌گری و اندیشیدن تدابیر در زیر سایه توکل. در آیه ۶۷ سوره یوسف به نقل از حضرت یعقوب (ع) آمده است: «و گفت ای پسران من از یک دروازه وارد نشوید و از درهای پراکنده درون شوید و من شما را در برابر [قضا و قدر] خدا هیچ سودی نتوانم داشت. حکم [و

فرمانروایی [جز خدای را نیست. بر او توکل کردم و توکل کنندگان باید بر او توکل کنند و بس]». باید در کارها محاسبه گر بود و برنامه ریزی کرد؛ ولی حاکم مطلق هستی خداست و اگر اراده‌ای حتمی کرد که کاری انجام دهد، هیچ چیز نمی تواند مانع آن شود؛ پس تنها باید بر خدا توکل کرد. - توکل به خدا مانعی برای وسوسه های شیطانی. خداوند متعال در آیه ۹۹ سوره نحل می فرماید: «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»: «همانا او را بر کسانی که ایمان دارند و بر پروردگارشان توکل می کنند، تسلطی نیست». ایمان و توکل به خدا مانع تسلط شیطان بر انسان است.

سید محمد مقیمی

moghimi@ut.ac.ir

<http://www.prof-moghimi.ir>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی